



دردم

آنچه در پی می آید مقاله ای است که جهت درج در یادمان حاضر بر خامه حضرت آیت الله مظاهری «دام عزه» جاری گشته است. ضمن سپاس از ایشان، این متن را به شما هدیه می کنیم.

### حضرت آیت الله حسین مظاهری

# جرعه نوش علم و عرفان...

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن درباره شخصیت عالمی است مجاهد که مرگ و شهادت او نیز مانند حیاتش برای اسلام و انقلاب اسلامی، نقطه عطفی برکت خیز بود. مرحوم آیت الله شهید حاج آقا مصطفی خمینی «قدس سره» فرزند برومند امام راحل عظیم الشان «رضوان الله علیه» که برای آن امام عزیز، خلقی صالح و برای نهضت اسلامی آن امام مجاهد، یاری وفادار و برای حوزه علمیه، فرزندی شایسته بود. در این مجال کوتاه به چند نکته اصلی پیرامون شخصیت ایشان اشاره می شود: نخست: آن مرحوم، خود عالمی بزرگ بود که در زمینه های مختلف معارف اسلامی و علوم حوزوی، تألیفاتی از ایشان منتشر شده است و از ملاحظه و مطالعه این تألیفات، به خوبی، تضلع و تسلط ایشان معلوم می شود. چه در زمینه فقه و اصول و چه در عرصه تفسیر قرآن کریم و چه در دیگر جهات اخلاقی و عرفانی، صاحب فکر و اندیشه بود و از شاگردان مبرز و ممتاز دروس عالیّه پدر بزرگوارشان حضرت امام خمینی «قدس سره» بودند.

دوم: آن مرحوم علاوه بر جهات علمی، در جهات عملی و اخلاقی نیز اهل تلاش و کوشش بود و البته اثر تربیتی والد ماجدی چون امام راحل عظیم الشان که سرآمد استادان اخلاق و عرفان بودند، ثمری جز این نباید داشته باشد. آن مرحوم علاوه بر استفاده و استنباط از انوار اخلاقی و تربیتی و عرفانی امام راحل (قدس سره)، هر جا به شخصیت های اخلاقی و عرفانی برخورد می کرد، با آنان به آمد و شد می پرداخت و این نشان از توجه ویژه آن مرحوم به این جهات با اهمیت داشت. به عنوان مثال در قم با مرحوم آیت الله آقای حاج آقا رضا بهاء الدینی که از دوستان صمیمی مرحوم امام بودند، مأموس گشته و با ایشان ارتباط وثیق و عاطفی فراوانی داشتند. در اصفهان با مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محمود مفید که حکیمی متخلق به اخلاق بودند و بر ذمه ایجاب نیز حق استادی داشتند، رفت و آمد می کردند و در نجف اشرف در ایام تبعید امام راحل، با برخی علمای اخلاقی و عرفانی ارتباط و انسی داشتند. در همین جا باید از ابوالزوجه مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی نیز یاد کنیم که آن بزرگوار هم آینی در اخلاق و معنویت بودند. مرحوم آیت الله آقای حاج آقا مرتضی حائری یزدی «اعلی الله مقامه» فرزند برومند مؤسس حوزه علمیه قم مرحوم آیت الله العظمی حائری «قدس سره» که در جهات معنوی و اخلاقی علاوه بر جهات علمی، زبانزد خاص و عام بود و حقیقتاً خلقی صالح برای والد ماجدشان بودند و ایشان نیز بر ذمه بنده حق استادی داشتند.

سوم: شدت علاقه و اعتماد امام بزرگوار به مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی، انصافاً فراتر از علاقه و اعتماد یک پدر به یک فرزند بود. به تعبیر یکی از بزرگان، امام اشد الحب به مرحوم حاج آقا مصطفی بودند و ایشان نیز به امام اشد الحب بودند و این شدت عواطف را نباید صرفاً در ارتباط ایوت و بنوت تعریف کرد. امام همانطور که خود فرمودند، مرحوم حاج آقا مصطفی را امید آینده اسلام می دانستند و چون از جهات علمی و عملی ایشان مطلع بودند به آینه شخصیت آن مرحوم امید و آفری داشتند. و مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی نیز که از هر کسی به امام نزدیک تر بود و علاوه بر این قرب جسمانی و معنوی، از

شاگردان و یاران امام در عرصه حوزه و در میدان مجاهدتهای نهضت اسلامی بود به آن بزرگوار، فراتر از یک پدر و یک مربی و یک استاد نظر داشت. حضرت امام در ایام تبعید به ترکیه که اولین دوره تبعید ایشان از ایران بود، نامه و کالتی در امور مختلف چه امور خانوادگی و چه امور مربوط به مرجعیت برای حاج آقا مصطفی مرقوم فرمودند که حاکی از اعتماد بی دریغ و شایان توجه ایشان به مقام علمی و عملی آن مرحوم است. اگر چه رژیم مستشاهی، در همان صبح زود سیزدهم آبان ۴۳ که در نیمه شب قبلیش، امام را از بینشان در قم به سمت تهران و بلاد رنگ به ترکیه تبعید کرده بود، مرحوم حاج آقا مصطفی را نیز در تهران زندانی کرد، ولی امام تا مدتی از زندانی شدن ایشان اطلاع نداشتند و برحسب نقل وقتی در ترکیه شنیده بودند که مرحوم حاج آقا مصطفی را زندانی کرده اند، باروخی آرام و قلبی مطمئن که ویژگی همیشگی آن امام عزیز بود، فرموده بودند، «من از زندانی شدن مصطفی نگران نیستم، مصطفی باید اینگونه شدائد و مصائب را ببیند تا پخته شود». در این کلام امام علاوه بر یک دنیا ایمان و معنویت و قدرت اراده و استحکام روح، همان امیدواری امام به آینده مرحوم حاج آقا مصطفی نیز پدیدار است. رژیم شاه پس از حدود دو ماه حاج آقا مصطفی را از زندان تهران آزاد کرد ولی وقتی از حضور ایشان در قم و تجمع مردم و حوزویان در اطراف ایشان احساس خطر کرد، بلافاصله آن مرحوم را هم به ترکیه تبعید کرد و به والد ماجدشان ملحق ساخت. و آن بزرگوار دائماً در کنار پدر عالیقدر خود به مسئولیت فرزندی و یاری آن امام عزیز عمل می کردند. پس از گذشت قریب به یکسال تبعید در ترکیه، در دوره تبعید به نجف اشرف نیز مرحوم حاج آقا مصطفی در کنار امام راحل بودند و در تحمل شدائد و مصائب آن دوران، یار و غمخوار پدر عزیز و مراد والای خود بود. در اینجا مناسب است این قضیه را نیز نقل کنیم که در زمان تبعید امام به نجف اشرف، ایشان از سر آن مقامات خاص معنوی ولایه، مقید بودند که هر شب به حرم مطهر امیرالمؤمنین (ع) مشرف شوند و زیارت جامعه کبیره را قرائت کنند. در یکی از شبها که هوا به شدت نامناسب بوده است، مرحوم حاج آقا مصطفی از سر شدت علاقه به امام سعی در منصرف کردن ایشان از تشریف به حرم مطهر می کند و در ابتدا از امام

سوال می کند که آیا امیرالمؤمنین (ع) دور و نزدیک دارند؟ و وقتی جواب منفی امام را می شنود به ایشان عرض می کند پس امشب، شما زیارت رادر منزل بخوانید و به خاطر بدی هوا، به حرم مشرف نشوید. امام راحل پاسخ می فرماید، «مصطفی! اقتضا دارم روح عوامانه ما را از ما نگری، ریشه سخن امام راحل در ایمان قلبی آن بزرگوار نهفته است که فراتر از ایمان عقلی و ایمان عملی است.

باری مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی «قدس سره» در تمام ایام سختی و غربت امام راحل، یاری وفادار و مخلص برای آن بزرگوار بودند و تا پایان حیات پر برکت خود، لحظه ای از عشق و ارادت و یاری آن امام عزیز غفلت نکردند.

چهارم: مرگ و شهادت حاج آقا مصطفی، همانند حیاتش برای اسلام و نهضت اسلامی، پر برکت بود. دقیقاً پس از شهادت آن بزرگوار بود که نهضت امام خمینی در ایران اوج گرفت و در جریان مراسمهایی که به منظور احترام و تجلیل از مقام ایشان در شهرهای مختلف ایران برگزار شد، اهداف و آرمانهای امام و قیام و نهضت امام تشریح و تبیین شد و عملاً این مراسمها به صحنه های قیام ملت علیه رژیم مبدل گشت و طولی نگذشت که انقلاب شکوهمند اسلامی به پیروزی رسید. شاید به همین سبب بود که امام راحل عظیم الشان (قدس سره) پس از رحلت مرحوم حاج آقا مصطفی، فرمودند، «مرگ مصطفی از الطاف خفیه الهی بود». این سخن امام نیز، سرچشمه گرفته از روح بلند وقوت قلب و اطمینان روحی آن انسان بی بدیل بود و ریشه در استحکام ایمان قلبی امام داشت. نفس برخورد امام در مقابل رحلت فرزند عزیزشان که تنها یک فرزند نبود، یک شاگرد مبرز، یک یار وفادار، یک قرین غمخوار و یک همراه امین و در حقیقت اعزاز اشخاص در نزد امام راحل بود و امام به او امید فراوانی داشتند و چنانکه نقل شد او را امید آینده اسلام می شمردند، بسیار درس آموز است. وقتی مقدر الهی بر مصیبت را همانند سایر مصائب و شدائد پذیرفتند و با نگاهی جمیل و زیبا، از مرگ او، لطف پنهان و خفی حضرت حق تعالی را برداشت کردند. آن امام عزیز را چنین فرزند هم سزاست، «و والد و ما ولد». از خداوند سبحان برای امام راحل کبیر و فرزندان عزیز و بزرگوارشان مرحوم آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (قدس سره) و مرحوم حاجت الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا خمینی «رحمه الله علیه» که او نیز برای امام فرزندی مهربان و یاری وفادار و مستشاری مؤتمن بود، علو درجات و مغفرت واسعة و رضوان الهی مسألت می کنم و امیدوارم نهضت و انقلاب عظیم الشان امام امت «قدس سره» که حاصل همه این مصائب و شدائد و حاصل خونهای پاک شهیدان امت اسلامی است، هر روز سر بلندتر و از گزند حوادث و توطئه ها محفوظ تر و به نهضت جهانی حضرت بقیه الله الاعظم «ارواحنا له الفدا» متصل گردد. ان شاء الله.

اته ولی العمم، والسلام علیهم و علی جمیع عبادالله الصالحین و رحمه الله و برکاته

حسین مظاهری

۱۳۸۵/۷/۲۹

۲۷/رمضان المبارک/ ۱۴۲۷

### شهادت حاج آقا مصطفی، همانند حیاتش

برای اسلام و نهضت اسلامی، پر برکت بود.

پس از شهادت آن بزرگوار بود که نهضت امام

خمینی اوج گرفت و در جریان مراسمهایی

که به منظور احترام و تجلیل از مقام ایشان

در شهرهای مختلف ایران برگزار شد، اهداف

و آرمانهای امام و قیام و نهضت امام تشریح

و تبیین شد ...

